



## چهره جنایتکار بورژوازی

## در ورای امواج مرگبار

## "سونامی"!

اصطلاح متمدن و طرفدار "حقوق بشر" روزانه با استفاده از صدها هواپیما و هلی کوپتر و سایر ادوات جنگی بمب و گلوله بر سر مردم بیگناه عراق و افغانستان فرو می ریزند و میلیاردها دلار صرف سرکوب توده های محروم و حفظ و استیلای سلطه جهانخوارانه خویش می سازند. اما همین دولت ها جایی که پای ضرورت کمک به قربانیان فاجعه "سونامی" به میان می آید اکثرا به اشک تمساح ریختن و تبلیغات صرف به جای کمک مادی و معنوی موثر و لازم، روی می آورند و از تخصیص حتی بخش کوچکی از امکانات ماشین سرکوب غول آسای خود برای نجات جان قربانیان طفره رفته اند.

تحت چنین شرایطی ست که سازمان های غیردولتی از احتمال افزایش تعداد تلفات زلزله به "صدها هزار" تن سخن می گویند و تأکید می کنند که این فاجعه حداقل ۵ "میلیون" بی خانمان و آواره و گرسنه بر جای گذارده است.

( صفحه ۲ )



بی کفایتی و فساد ساختاری رژیم های ضدخلقی و وابسته در مناطق زلزله زده، به دست قربانیان نیازمند و محروم نرسیده است. امری که به نوبه خود بر ابعاد گرانبار این فاجعه در زندگی زلزله زدگان افزوده است.

آمار رسمی در حدود یک هفته پس از وقوع زلزله "سونامی"، از کشته شدن قریب به یکصد و پنجاه هزار تن از مردم محروم در کشورهای سریلانکا، اندونزی، تایلند، مالزی و هند حکایت می کند. البته این آمار تنها مربوط به اجساد ست که سرشماری شده اند. با توجه به شدت زلزله (۹ درجه ریشتر و تقریبا ۵۰۰۰ برابر قدرت بمب های اتمی ای که در هیروشیما منفجر شد) و وسعت و ابعاد ویرانی ها از یکسو و عدم تخصیص امکانات لازمه توسط دولت های غربی از سوی دیگر، هنوز حتی امکان ورود و بررسی شمار تلفات جانی و مالی به بخش اعظم مناطق زلزله زده در کشورهای صدمه دیده مهیا نشده است. عدم تخصیص امکانات لازمه و منجمله هواپیما و هلی کوپترها و سایر تجهیزات لازم برای مدرسانی به توده های ستمدیده در حالی ست که همین دولت های به

فاجعه زلزله "سونامی" و متعاقب آن بالا آمدن آب دریا که با بر جای گذاردن خسارت های جانی و مالی وحشتناک، "بزرگترین فاجعه طبیعی در تاریخ مدرن" نام گرفت، قلب صدها میلیون تن از انسان های شرافتمند در سراسر دنیا را به درد آورد و آنها را در ماتم و اندوه ناشی از درد و رنج این بلای مرگبار و سرنوشت رقت انگیز قربانیان آن فروبرد. صحنه های هولناک و توصیف ناپذیر شهرها و روستاهای نابود شده، جزایر و سواحل مسکونی ناپدید شده در دل اقیانوس، بقایای خانه های محقر و حلبی آبادهای ویران گشته از خشم امواج، انبوه اجساد شناور بر روی امواج آب و بالاخره ضجه های دلخراش زنان و مردان و کودکان بیگناهی که تنها در طی چند دقیقه تمام هستی خود را از دست داده اند و اکنون هراسناک و دیوانه وار می گریند و در میان ویرانه های به جا مانده از خشم طبیعت به دنبال نشانی از عزیزان خود می گردند، مردم جهان را در بهت و ناباوری فرو برده است. درست به همین دلیل است که به رغم آزمندی و خست رذیلانه سرمایه داران زالوصفت و دولت ها و طبقات استثمارگر حاکم، در مسابقه شان برای شانه خالی کردن از بار مسئولیت در کمک برای نجات انسان های بلا دیده، حجم بزرگی از کمک های انساندوستانه توسط شهروندان معمولی و شرافتمند تنها در عرض چند روز برای ارسال به مناطق آسیب دیده جمع آوری شده است. کمک هایی که اکثرشان هنوز هم به دلیل کندی و بی عملی دولت های ارسال کننده و

## دریده شدن

## یک "کارتن خواب"

## توسط گرگ های گرسنه

گسترش بی سابقه فقر و فقدان حداقل سرپناه برای هزاران تن از توده های گرسنه و بی خانمان در نظام جمهوری اسلامی قربانی دیگری گرفت و در جریان یک حادثه هولناک، یک "کارتن خواب" در مقابل چشمان عابران هراسناک، توسط گرگ های گرسنه پاره پاره شد. این حادثه دهشتناک، شب هنگام یکشنبه ۱۳ دی ماه در شهرک "ولی عصر" تربت حیدریه اتفاق افتاد.

( صفحه ۲ )



مسلماً واقعیت ابعاد دهشتناک خسارات و عواقب مرگبار این فاجعه حتی از میان تصاویر و اخبار کنترل شده رسانه های عمومی قابل تشخیص است. اما آنچه که در لابلای تصاویر هولناک مرگ و نیستی ناشی از این فاجعه سعی در لاپوشانی آن می گردد، همانا نقشی ست که سرمایه داران زالوصفت و سودجو و نظام ضدخلقی سرمایه داری در تشدید مصائب و عواقب مرگبار این فاجعه ایفاء کرده اند. در حقیقت امر، فاجعه زلزله "سونامی"، بستری ست که در آن می توان یکبار دیگر ماهیت ضدخلقی نظام سرمایه داری را به عینه مشاهده کرد.

واقعیت این است که زلزله، نظیر سیل و طوفان و ... از زمره فجایع طبیعی ای هستند که جلوگیری از وقوع آنها برای بشر هنوز امکان پذیر نیست. اما در صورت وجود یک مدیریت صحیح در جامعه می توان مضرات جانی و مالی ناشی از قدرت تخریب کننده این نیروهای طبیعی را به حد اقل رساند. درست به همین دلیل است که ما می بینیم در شرایط سلطه نظام استثمارگرانه سرمایه داری، نظامی که تمام هم و غم گردانندگان آن کسب سود و ارزش اضافی به بهای استثمار و غارت و سرکوب کارگران و زحمتکشانشان است، سالانه دهها هزار تن از توده های محروم در جریان وقوع سیل و زلزله و طوفان و ... جان خود را از دست می دهند و قربانی سودجویی های سرمایه داران و نظام ضدخلقی آنها می گردند.

در نتیجه همین واقعیت است که ما می بینیم که در جریان رشد تضادهای درونی میان جناح های مختلف طبقه حاکم در اروپا رو شد که مؤسسات تحقیقاتی و زلزله نگاری در آمریکا از چند وقت قبل اطلاعاتی در اختیار داشته اند که حاکی از وقوع زلزله ای مرگبار در این منطقه بوده است و تنها به دلیل منافع سرمایه داران زالوصفت و دولت هائی که از صنعت توریسم در کشورهای فوق بهره می بردند، بود که مقامات مسئول از صدور هشدار نسبت به امکان وقوع زلزله در منطقه مزبور خودداری می کنند. آنهم با این ملاحظه که مبادا این هشدار منجر به تخلیه مناطق مزبور و در نتیجه کساد شدن کار سرمایه داران و دولت های ذی نفع در صنعت توریسم گردد. به این ترتیب سودجویی و آزمندی سرمایه داران و کمپانی های امپریالیستی یکی از عواملی بود که در جریان وقوع

این فاجعه، بر ابعاد نابودی حیات و هستی هزاران تن از توده های محروم بسی افزود.

از سوی دیگر، در شرایطی که در هنگام وقوع هر حادثه طبیعی و به ویژه زلزله، ارسال کمک در اولین ساعات و روزهای پس از وقوع، شرط لازم در نجات جان تعداد بیشتری از بلادیدگان است، ما شاهد بودیم که مساله ضرورت کمک فوری به زلزله زدگان "سونامی" و کنترل پروسه این کمک ها به یک ابزار سیاسی برای تصفیه حساب های بین قدرت های بزرگ امپریالیستی درآمد. در همین رابطه در حالی که سازمان ملل خواهان میدان داری در "کمک رسانی" و اهدای کمک همه کشورها به این سازمان و تقبل سهم معینی از سوی آمریکا و سایر دولت های اروپائی شده بود، دولت بوش با رد این نظر اعلام کرد که با "همکاری" دولت ژاپن و چند دولت دیگر مستقلاً به امر کمک رسانی خواهد پرداخت. به این ترتیب، چانه زنی دولت ها و نمایندگان سرمایه داران زالوصفت در راهروهای قدرت، بر سر در اختیار گرفتن کمک ها و در نتیجه تلف شدن وقت، تا هم اکنون نیز بر شمار قربانیان نیازمند کمک به گونه ای تصاعدی افزوده است.

در این میان، در سفره ای که هیولای مرگ و نیستی بر جان و مال میلیون ها تن از توده های محروم گسترده است، سوداگران مرگ و تاجران سکس و قاچاقچییانی که سرخشان به سرمایه داران کثیف و قدرت های دولتی بازمی گردد نیز به شدت فعال شده اند و مساله نقرتبار فروش کودکان و به ویژه دختران و زنان جوان برای صدور آنها به کشورهای اروپائی به منظور استثمار و بهره برداری جنسی به شدت رواج یافته است. فاجعه "سونامی" برای گردانندگان زالوصفت این بازار کثیف چند میلیارد دلاری، به فرصتی تبدیل گشته تا اینان برای توسعه کسب و کار ننگین خویش و افزایش سودشان در این بازار، از طریق ردیالانه ترین نوع استثمار جنسی، فعال گشته و در میان زنان و کودکان داغدار باقی مانده از امواج "سونامی" به دنبال قربانیان جدید بگردند.

نمونه دیگر مربوط به اندونزی ست که در آن دولت ضدخلقی این کشور، مخالفان مسلح خود در یکی از استان های آسیب دیده در این منطقه را تهدید کرده که صرفاً در صورتی که سلاح بر زمین بگذارند و نسخه "صلح" پیشنهادی (یعنی تسلیم) را بپذیرند، است که اجازه ورود امدادگران را برای کمک رسانی به مردم بلایدیده خواهند داد. و در غیر این صورت "امنیت جانی" گروه های امداد را تضمین نخواهد کرد. در نتیجه اکنون یک هفته پس از زلزله و در حالیکه هزاران تن از مردم محروم قربانی این فاجعه شده اند، امدادگران در هراس از

تهدید دولت اندونزی وارد این بخش از کشور نگشته و همین واقعیت نه تنها بر شمار قربانیان افزوده، بلکه با توجه به عدم جمع آوری اجساد، خطر شیوع بیماری های واگیردار و کشنده نظیر وبا را به گونه ای وحشتناک افزایش داده است. بدین ترتیب، دولت ضدخلقی اندونزی نیز با استفاده از موقعیت به وجود آمده در اثر زلزله مرگبار اخیر و جلوگیری از ارسال کمک ها به آسیب دیدگان، مسئول قربانی شدن حیات و هستی تعداد هر چه بیشتری از آنهاست.

نمونه های فوق تنها گوشه هائی از شدت قساوت و بیرحمی بورژوازی زالوصفت در قربانی کردن توده ها در جریان زلزله مرگبار اخیر را به نمایش می گذارد. نقشی که نظام ضدخلقی سرمایه داری در قتل عام بی سروصدای مردم بلازده در فاجعه اخیر ایفاء کرده است، به روشنی از میان امواج فروخته "سونامی" هویداست.

## دریده شدن یک

### "کارتن خواب"

(بقیه از صفحه ۱)

گرگ های گرسنه که در اثر بارش برف سهمگین و سرما برای یافتن غذا به شهر هجوم برده بودند، "کارتن خواب" نگون بخت را از هم دریدند. این حادثه خشم و انزجار مردم را از مسئولین برانگیخت. ولی کاربدستان دزد و فاسد حکومت که به رغم افزایش شدید تعداد "کارتن خواب های" گرسنه و بی خانمان در سطح شهر، کوچکترین گامی در جهت جمع آوری و رسیدگی به وضع آنها به خرج نداده اند، گناه این حادثه جانگداز را به گردن "کمبود اعتبار" انداختند. در سال های اخیر، به موازات گسترش بی سابقه فقر و بیکاری در جامعه و به ویژه در میان خانواده های کارگری، هر روز بر تعداد افرادی که به دلیل عدم وجود حداقل منبع درآمدی و فقدان سرپناه در خیابان ها می خوابند افزوده گشته و با سرد شدن هوا بر تعداد مرگ و میر آنان افزوده می گردد. دامنه این معضل اجتماعی اکنون علاوه بر تهران به اکثر شهرهای کشور کشیده شده است.





## پیرامون اقدام اخیر تلویزیون آپادانا

در هفته‌های اخیر شاهد پخش برنامه‌های در تلویزیون آپادانا بوده‌ایم که توسط آقای ذوالفقاری تهیه شده و در آن ادعا می‌گردد که برنامه یادشده توسط هواداران چریک‌های فدایی خلق ایران "حمایت" می‌شود.

رفقای ما در تماس‌های مکرر با مسئولین این برنامه تصریح کرده‌اند که ادعای فوق هیچگونه ربطی، نه به چریک‌های فدایی خلق ایران و نه به هیچیک از انجمن‌ها و سازمان‌های هوادار شناخته‌شده این جریان ندارد و خواهان آن شده‌اند که ضمن روشن شدن ادعای فوق، این اقدام متوقف گردد.

در مقابل، مسئولین برنامه مدعی هستند که به دلیل فشارهای مالی و امکان ورشکستگی و توقف برنامه در ماه‌های اخیر، آنها پیشنهاد حمایت مالی از سوی "افرادی" تحت نام هواداران چریک‌های فدایی خلق ایران را برای مدتی، در مقابل ذکر این نام در زیرنویس برنامه خود پذیرفته‌اند. مضافاً این که تهیه‌کنندگان برنامه، در مقابل پرسش‌های بینندگان خویش در مورد صحت و سقم این ادعا، به‌جای یک برخورد مسئولانه و دمکراتیک به منظور روشن شدن موضوع، تاکنون ترجیح داده‌اند که به نحوی ناشیانه مسئله فوق را ناشی از "اختلافات درونی" (!؟)

چریک‌های فدایی خلق جلوه دهند و به این ترتیب بدون آنکه هیچ مدرک و برهانی در زمینه این ادعای خویش ارائه دهند با آشکاری هر چه بیشتری به توهم‌پرانی پرداخته‌اند. در حالیکه تنها کافی بود که ایشان از طریق تماس با شماره تلفن و یا آدرس صندوق پستی و یا آدرس‌های ای‌میلی ما، موضوع را برای خویش روشن نمایند. در ضمن، متأسفانه مسئولین تلویزیون آپادانا به‌رغم اصرار رفقای ما و اعلام آمادگی آنها برای تحقیق در مورد حامیان ناشناس و تأمین‌کنندگان مالی برنامه‌شان که هیچ ربطی به چریک‌های فدایی خلق ایران ندارند، با ادامه شیوه برخورد اهمال‌گرانه و یک‌جانبه خویش، گامی در این زمینه برنداشته و در عوض تنها بر ضرورت مکتوب بودن هر گونه اعتراض از طرف ما تأکید کرده‌اند.

با توجه به توضیحات فوق، چریک‌های فدایی خلق ایران یک بار دیگر ضمن تکذیب ادعای حمایت از برنامه تلویزیونی آپادانا- صرفنظر از این که مواضع و برنامه‌های آن چیست- توسط "هواداران ناشناس"، از مسئولین برنامه می‌خواهند تا استفاده از این نام را متوقف کرده و این اطلاعیه روابط عمومی چریک‌های فدایی خلق ایران را مطابق عرف رایج مطبوعات، برای جلوگیری از هر گونه سوءتفاهم احتمالی و توهم‌پرانی در این زمینه به اطلاع بینندگان خویش برسانند و با این اقدام به روشن شدن واقعیت در این زمینه یاری رسانند.

با ایمان به پیروزی راهمان  
روابط عمومی چریک‌های فدایی خلق ایران  
دوشنبه ۲۷ دسامبر ۲۰۰۴

برای تماس با چریک‌های فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051  
London  
WC1N 3XX  
England  
Fax & Tel: 044 – 208 – 8805621  
آدرس پست الکترونیک  
e-mail : ipfg@hotmail.com



## هشدار به نیروهای انقلابی

### در مورد اقدام اخیر تلویزیون آپادانا!

مردم مبارز ایران، نیروهای سیاسی مبارز و انقلابی! از حدود یک ماه پیش، تلویزیون آپادانا- یکی از تلویزیون‌هایی که در آمریکا برای ایران برنامه پخش می‌کند- در برنامه‌ای که توسط آقای ذوالفقاری تهیه می‌گردد، اعلام می‌کند که گویا هواداران چریک‌های فدایی خلق ایران از برنامه آنها "حمایت" می‌کنند.

در اعتراض به این تقلب آشکار، رفقای ما تاکنون چندین بار با مسئولین برنامه تماس گرفته و با توضیح اینکه چنان اعلام و تبلیغی هیچ‌گونه ربطی به چریک‌های فدایی خلق ایران و هواداران این سازمان ندارد، قاطعانه خواستار توقف تبلیغات مذکور شده‌اند. اما علیرغم تلاش‌های صورت گرفته و به‌رغم انتشار اطلاعیه رسمی از طرف روابط عمومی چریک‌های فدایی خلق که در آن ضمن تقلبی خواندن تبلیغ فوق‌الذکر خواستار توقف آن شده‌است، تلویزیون آپادانا هنوز از اقدام غیراصولی خود دست برنداشته‌است. مسئولین برنامه مذکور پس از چند بار ارسال فکس اطلاعیه اعتراضی روابط عمومی چریک‌های فدایی خلق به آنها، بالاخره دریافت آن را تأیید کردند ولی حاضر نشدند تا طبق عرف رایج مطبوعات،

متن کامل آن اطلاعیه را به سمع بینندگان تلویزیون خود برسانند. تنها توجیهی که مسئولین این برنامه در پاسخ به همه اعتراضات انجام شده نسبت به ادعای جعلی‌شان، ارائه می‌دهند، عبارت از آن است که گویا "هواداران ناشناخته‌ای" به مسئولین این برنامه پول داده و خواستار درج نام هواداران سازمان ما در برنامه آنها شده‌اند و ادعا می‌کنند که با دریافت مبلغ مذکور، برنامه‌شان از "ورشکستگی" نجات یافته‌است!

در تداوم اعتراضات رفقای ما به اقدام غیراصولی و متقلبانه مسئولین تلویزیون آپادانا و اصرار ما به این امر که هوادار و یا هواداران "ناشناخته" را به ما معرفی نمایند، بالاخره شخصی از طریق شماره تلفنی که یکی از رفقای ما در اختیار تلویزیون آپادانا قرار داده بود، با ما تماس گرفت. او در این مکالمه تلفنی، نام خود را "دکتر رادمنش" ذکر نمود و مطرح کرد که "پیرمردی" است که سالها با حزب توده فعالیت سیاسی کرده‌است و گویا پس از قیام بهمن به صحت نظرات چریک‌های فدایی خلق پی برده و گویا از همان زمان یعنی از سال ۱۳۵۸ "هوادار" این جریان سیاسی شده‌است. شخص مذکور در مقابل سوال و اعتراض ما که چرا وی بدون اطلاع به سازمانی که ادعای هواداریش را می‌کند، به چنین اقدامی دست یازیده‌است، مطرح ساخت که قصدش "تبلیغ به نفع" چریک‌های فدایی خلق از طریق تلویزیون آپادانا می‌باشد؛ و چون در حال حاضر به مدت "۲سال" است که نشریه "اکار" (!؟) "ارگان کمیته مرکزی" سازمان منتشر نمی‌شود، بهتر است که از این طریق "به نفع شما" (!؟) "در ایران" تبلیغ شود!

به این ترتیب، در جریان مکالمه یاد شده روشن شد که این حامی مالی برنامه تلویزیونی آپادانا، که ناشیانه خود را هوادار چریک‌های فدایی خلق، آنهم در طی ۲۵ سال گذشته (!؟) قلمداد می‌کند، نه از مواضع و پرنسیب‌های شناخته‌شده این جریان اطلاع و یا شناختی دارد و نه حتی نام ارگان این سازمان یعنی "پیام فدایی" را می‌داند. در هر حال به‌رغم اعتراض و توضیحات ما در مورد دلایل نادرستی این اقدام، شخص مذکور مطرح ساخت که "چه شما موافق باشید و چه نباشید، من به کار خود ادامه خواهم داد!" و تبلیغ "حمایت" از برنامه تلویزیونی آپادانا زیر نام "هواداران چریک‌های فدایی خلق" همچنان روی صفحه تلویزیون فوق‌الذکر قرار خواهد گرفت.

تا آنجا که معلوم است، شخص مذکور (رادمنش)، یکی از همکاران تلویزیون آپادانا است، اما اگر حتی چنین هم نبود، مسئولیت اقدام متقلبانه اخیر همچنان به گردن تمام مسئولین این تلویزیون می‌باشد که ساده‌ترین پرنسیب‌های شناخته‌شده یک رسانه جمعی را زیر پا گذارده و نام یک جریان سیاسی را بدون اطلاع و اجازه آنها، بدون خواست آنها و علیرغم اعتراضات مکرر آنها، مورد سوء استفاده قرار می‌دهند. این جلوه بارزی از یک فریبکاری است که در نوع خود "بی‌نظیر" و پدیده جدیدی است.

ما تأکید می‌کنیم که در پشت این "دلسوزی" برای چریک‌های فدایی خلق و "اصرار" برای تبلیغات ظاهراً به "نفع چریک‌ها"، نیت پلیدی نهفته است که برخی از آنها را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱- مسئولین تلویزیون آپادانا و همکار "توده‌ای‌شان" (رادمنش خود را توده‌ای سابق خوانده) با قید نام "هواداران چریک‌های فدایی خلق" در برنامه تلویزیونی خود، نه تنها سعی در ایجاد توهم پشتیبانی ما از برنامه تلویزیونی خود را دارند، بلکه بر علیه چریک‌های فدایی خلق شایعه‌پراکنی می‌کنند. آنها در پاسخ به هر اعتراض اصولی رفقای ما به اقدام متقلبانه خود، از چسباندن انواع و اقسام انگ‌ها به ما خودداری نمی‌ورزند. به‌طور مثال، به‌جای پاسخ به اعتراضات در هنگام پخش برنامه، گردانندگان برنامه ضمن قطع صدای رفقا، یکبار از "وجود اختلاف" در بین ما صحبت کردند و یکبار گفتند که گویا علت اعتراض، وجود "اسناد فکری" در میان ما می‌باشد و....

۲- گردانندگان این تلویزیون با همراهی "دکتر رادمنش" که خود را "هوادار چریک‌های فدایی خلق" قلمداد می‌کند، با سوء استفاده از نام سازمان ما قصد دارند تا زیر اسم یک نیروی چپ و رادیکال، نیروهای انقلابی و رادیکال‌درون جامعه را به طرف تلویزیون خود جلب کنند. این تلاش در شرایط رشد شور انقلابی و مبارزاتی موجود در جامعه ملتهب ما بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، آن خطر اصلی‌ای است که اگر به عمق آن و نتایج عملی‌اش بیندیشیم، آنگاه فاجعه‌ای که در پس این تقلب بر علیه جوانان مبارز ایران طرح ریزی شده‌است را خواهیم دید.

ما ضمن جلب توجه نیروها و افراد مبارز و انقلابی به این حقایق، از همه آنها خواستاریم تا به هر نحوی که می‌توانند در جهت افشای اقدام فریبکارانه تلویزیون آپادانا حرکت نموده و مانع از جا افتادن سنت ضدردمی‌ای شوند که نه صرفاً بر علیه سازمان ما بلکه در اساس بر علیه نیروهای مبارز و جوانان چپ و انقلابی ایران و برای فریب آنها، سازماندهی شده‌است.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

مرگ بر فریبکاران! مرگ بر دغلکاران!

زنده باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

با ایمان به پیروزی راهمان

روابط عمومی چریک‌های فدایی خلق ایران

۷ ژانویه ۲۰۰۵



## ابعاد سرسام آور فقر و گرسنگی

تحت حاکمیت ضدحلقی رژیم جمهوری اسلامی، ۱۲ میلیون تن از توده های تحت ستم ما در "فقر مطلق" بسر می برند. این مطلب را "نجات امینی"، "مدیر کل دفتر کاهش فقر و سیاست های جبرانی وزارت رفاه"، اعلام کرده است. با توجه به تفاوتی که حتی در درجه بندی فقر وجود دارد، مقام مزبور اضافه کرده است که "کسانی که از گرسنگی در رنج هستند، بیش از یک میلیون نفر تخمین زده می شود". البته روشن است که این آمار تمام حقیقت را بیان نمی کند. اما حتی همین آمار سر و دم بریده که تنها گوشه ای از میزان فقر و گرسنگی توده های محروم ما تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی را نشان می دهد، یکبار دیگر پرده از مناسبات ناعادلانه و کثیفی برمی دارد که این حکومت با حراست از نظام سرمایه داری وابسته بر حیات کارگران و خلق های تحت ستم ما حاکم گردانیده است. مقامات جمهوری اسلامی در حالی مطرح می کنند که در رژیم آنها ۱۲ میلیون نفر از مردم ما در "فقر مطلق" و یک میلیون نفر در "فقر شدید و گرسنگی" بسر می برند که در همان حال، نظام حاکم و مناسبات کثیفی که توسط آنها حراست می گردد، تعداد معدودی از "آقازاده ها" و میلیاردرهای زالوصفتی را خلق نموده که از بابت مکیدن شیره جان کارگران و توده های فقیر و گرسنه ثروت های نجومی به هم زده اند. آمارهایی که توسط مطبوعات وابسته به نظام در سال های اخیر انتشار یافته نه تنها از گسترش وحشتناک شکاف طبقاتی در این نظام ضدحلقی حکایت می نماید، بلکه نشان می دهد که چگونه به موازات تشدید فشار بر کارگران و زحمتکشان و اخراج سازی های گسترده توسط دولت و سرمایه داران زالوصفت و وابسته در سراسر کشور، بیش از نیمی از توده های محروم ما در جمهوری اسلامی به زندگی در "زیر خط فقر" محکوم شده اند.

\*\*\*\*\*

## تشدید سرکوب در کردستان

موج جدیدی از اعمال فشار و سرکوب دستگاه های اطلاعاتی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی استان های گردنشین کشور را در هفته های اخیر دربر گرفته است. مزدوران رژیم در هراس از برآمد اعتراضات توده ای جدید، ده ها تن از مردم مبارز و به ویژه جوانان گرد را در

شهرهای سنندج، مریوان، بانه، ارومیه، مهاباد، بوکان، نقده و خوی را دستگیر و مورد بازجویی و اعمال اذیت و آزار قرار داده اند. وزارت اطلاعات جنایتکار جمهوری اسلامی حتی در مواردی اقدام به دستگیری و ربودن بستگان نزدیک فعالین سیاسی گرد که در خارج از کشور اقامت دارند کرده تا آنها را از فعالیت های مبارزاتی صذرژیم باز دارد.

در میان موج اخیر دستگیری ها عده ای تنها به دلیل تماس با رسانه های خارج از کشور نظیر رادیو-تلویزیون های گردی و اظهار نظر در مورد مسائل سیاسی و یا حتی کمتر از آن درخواست پخش ترانه های مورد علاقه شان بازداشت و مورد مواخذه و فشار و آزار قرار گرفته اند. رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی با موج جدید سرکوب در کردستان می کوشد تا فضای رعب و وحشت را در میان توده های مبارز و به ویژه جوانان انقلابی بپراکند و سلطه دستگاه جهمی سرکوب خویش در این منطقه را در هراس از اعتراضات و مبارزات رشدیابنده توده ها مستحکم سازد.

\*\*\*\*\*

## جلوه هایی از استثمار وحشیانه کودکان

افزایش روز افزون کودکان کارگر، لکه ننگ دیگری بر چهره رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی می باشد. کار کودکان و حضور آنها در میادین شهر به قصد کسب درآمد- که در موارد بسیاری به سوءاستفاده باند های حرفه ای از آنها منجر می شود- روز به روز در حال گسترش است. مطابق آمار رسمی، ۱۴ درصد کودکان برای تأمین اقتصادی خانواده هایشان کار می کنند. سن اغلب این کودکان زیر ۱۵ سال بوده و معمولاً به کارهای سخت و طاقت فرسا نظیر کار کردن در کارگاه، مزرعه و خیابان و ... وادار می شوند. در قانون رسمی، ظاهراً اشتغال کودکان ممنوع است. اما در عمل سرمایه داران زالوصفت وابسته و کارفرمایان سودجو با اطمینان از عدم تعقیب و بازخواست جدی از سوی مقامات، به طور فزاینده ای از نیروی کار کارگران خردسال که نان آور خانواده هایشان هستند برای سود بیشتر استفاده می کنند. آنها به شدت استثمار گشته و در مقابل کار سهمگین و شدید، دستمزد و حقوق و مزایای بسیار کمتری، حتی بسیار کمتر از حداقل دستمزد ناچیز قانونی، دریافت می کنند. از سوی دیگر، به دلیل عدم ثبت و درج سوابق کار، کودکان کارگر از مزایای خدمات و امکانات بیمه ای و درمانی سازمان تأمین اجتماعی نیز محروم بوده و در طی ساعات طولانی کار همواره در معرض حوادث و آسیب های ناشی از کار قرار دارند، بدون آنکه بتوانند در صورت مواجه شدن با سانحه ای در هنگام کار کوچکترین تأمین داشته

باشند. کودکان کارگر در شرایطی فوق العاده سخت و دشوار گذران زندگی می نمایند. به رغم تحمل تمامی این تضییقات، آنان همواره اولین کارگرانی هستند که در معرض اخراج از سوی کارفرمایان ضدحلقی قرار می گیرند.

رواج پدیده ی کار کودکان در ایران علت های عمده و زیربنایی دارد که مهمترین آنها، فقر اقتصادی است. این کودکان اغلب به خانواده های کارگری و یا بیکاران تعلق دارند که همگی زیر خط فقر زندگی می کنند و حتی برای تأمین نیازهای اولیه خود با مشکلات جدی مواجه هستند. کودکان کارگر به سادگی مورد استثمار قرار می گیرند. آنها از رفتن به مدرسه و برخورداری از آموزش، بهداشت و حتی غذای کافی محرومند. گزارشات موجود، از وجود و گسترش تعداد هزاران کارگر خردسال که برای سیر کردن شکم خود و خانواده هایشان مجبور به کار در سخت ترین شرایط در جمهوری اسلامی هستند، خبر می دهند.

به گزارش خود نهادهای رژیم، همچون سازمان بهزیستی کشور، ۱۱ میلیون نفر در زیر خط فقر زندگی می کنند و ۱۰ میلیون نفر متعلق به خانواده های کم درآمد هستند. و این تعداد هر روزه در حال افزایش است.

\*\*\*\*\*

## "پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehqhani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051  
London  
WC1N 3XX  
England

شماره فکس و تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 208 - 8805621

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

